

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۰۳۰

جمعه دوم تیر ۱۴۰۲، ۲۳ ژوئن ۲۰۲۳

دانشجویان و جنگ بر سر حجاب

میلاذ رابعی



جنگی که برای تحمیل حجاب اجباری در دانشگاه‌ها جریان دارد مربوط به کل جامعه است. حکومت اسلامی با لشکرکشی و تقلا و تلاش برای تحمیل حجاب به دانشجویان می‌خواهد انقلاب زن زندگی آزادی را عقب براند و دانشجویان دارند از این سنگر اجتماعی محکم دفاع می‌کنند. در ادامه فشارها و سرکوب دانشجویان، چندی قبل و در پی اجباری اعلام کردن مقنعه دانشجویان دانشگاه هنر دست به برگزاری تجمعی اعتراضی زدند. در پی آن نیز با انتشار نامه‌ای از دریای خونی که میان آن‌ها و حکومت وجود دارد سخن گفتند و صریحاً اعلام کردند که پاسخشان به حاکمیت تنها یک کلمه است: نه.

پس از مقاومت تحسین پرانگیز دانشجویان هنر و انتشار نامه آن‌ها، شاهد سیلی از پیام‌های حمایتی از سوی سایر دانشجویان کشور در همبستگی با آن‌ها بودیم. کانون نویسندگان ایران نیز با انتشار پیامی از حرکت دانشجویان هنر اعلام پشتیبانی کرد. این حمایت‌های پرشور همچنان از سوی دیگر دانشجویان ادامه دارد و تا همین جا تصویری از همبستگی و اتحاد جنبش دانشجویی در تقابل با حکومت اسلامی و قوانین ضدزنش، ارائه داده است که بسیار قابل تحسین است.

آنچه در این مقطع و مواردی مانند این از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است حمایت همه اقشار جامعه و جنبش‌های اعتراضی از حرکت دانشجویان است. دفاع از مقاومت دانشجویان هنر نباید رنگ "قشری - صنفی" به خود بگیرد. قانون حجاب اجباری و آپارتاید جنسی که مورد اعتراض دانشجویان است، مورد تنفر و اعتراض همه مردم، مستقل از شغل و جایگاه اجتماعی آن‌ها نیز هست. به همین دلیل جا دارد تا همه مردم و به‌خصوص جنبش‌های اعتراضی متشکل و شناخته‌شده از آن‌ها حمایت فعال کنند. برای مثال می‌توان از ۲۰ تشکل که چندی قبل شاهد انتشار نامه مهم آن‌ها بودیم نام ببریم که جا دارد از اقدام دانشجویان دفاع کنند. هر چه حمایت‌های انجام‌شده طیف وسیع‌تری را شامل شوند اتحاد میان صفوف جنبش سرنگونی بیشتر شده و حکومت را سریع‌تر به‌زانو در خواهد آورد.

در طی این سال‌ها جنبش دانشجویی همیشه در صف مقدم اعتراض به حکومت اسلامی قرار داشته و رژیم نیز دانشگاه را بالقوه دشمن خود می‌داند. در

انقلاب جاری نیز هر چند حاکمیت تمام توان

خود برای سرکوب دانشجویان را به کار گرفته **ادامه در صفحه ۲**



تراژدی پناهندگی

کاظم نیک‌خواه

صفحه ۳

افشای سندی "خیلی محرمانه" از وزارت اطلاعات

شهلا دانشفر

صفحه ۵

اطلاعیه‌های حزب کمونیست کارگری در هفته اخیر

صفحه ۸



دانشجویان و جنگ بر سر حجاب از صفحه نخست

است؛ اما از آن سو دانشگاه به‌عنوان سنگر آزادی‌خواهی نقش مهمی در پیشبرد و پیروزی این انقلاب ایفا خواهد کرده و خواهد کرد. اینجا جا دارد به فعالیت‌ها و نقش جنبش دانشجویی در دوران حاکمیت سیاه حکومت اسلامی نگاهی بیندازیم:

جدال بر سر ادامه انقلاب و ضدانقلاب مرعوب از دانشگاه

پس از پیروزی قیام بهمن تا فاصله ۳۰ خرداد ۶۰ را می‌توان مقطعی دانست که جامعه از سویی خواهان ادامه انقلاب تا رسیدن به اهداف آن بود و حاکمیت شکننده از سوی دیگر در تلاش برای تثبیت قدرت خود و خفنه کردن جنبش انقلابی مردم بود. در این مقطع دانشگاه یکی از مهم‌ترین سنگرهایی بود که توسط جنبش اسلامی باید مهار می‌شد چرا که بدون خفنه کردن صدای دانشگاه، انقلاب به‌راحتی قابل سرکوب نبود. به همین دلیل خمینی بارها از اسلامی کردن دانشگاه‌ها سخن گفت و دانشجویان و اساتید دانشگاه را افرادی غرب‌زده و ضداسلامی توصیف کرد. در راستای همین سخنان شاهد به‌اصطلاح "انقلاب فرهنگی" کذایی و تبعاتش بودیم که در اینجا از ورود به جزئیات آن درمی‌گذریم. مجموعاً انقلاب فرهنگی اسم رمزی بود برای پاک‌سازی دانشگاه‌ها از دانشجویان و اساتید معترض و انقلابی که زیر بار حکومت اسلامی و قوانینش نمی‌رفتند. تعطیلی دانشگاه‌ها برای ماه‌های متمادی و قمه‌کشی و چاقوکشی اسلام‌یون در برابر دانشگاه، نشان از ترس و وحشت اوباش مذهبی از این مرکز علمی - فرهنگی بود. اخراج هزاران دانشجو و صدها استاد دانشگاه از "دست‌آوردهای" انقلاب فرهنگی بود.

دهه ۶۰، تثبیت حاکمیت اسلامی، سرکوب و اعدام‌های وحشیانه

پس از ۳۰ خرداد ۶۰ و تثبیت حکومت اسلامی به زور زندان و سرکوب و شکنجه و اعدام شاهد دهه‌ای از کشتار و اعدام بی‌سابقه انقلابیون و گروه‌های کوچک و بزرگ سیاسی بودیم. کشتاری که از سال ۶۰ شروع شد، تابستان ۶۷ به اوج خود رسید و تا کنون نیز به درجه‌ای ادامه دارد. دانشجویان و تشکل‌های دانشجویی نیز یکی از قربانیان اصلی این کشتارها بودند. با نگاهی گذرا به لیست اعدامیان این دهه می‌بینیم که مقابل نام بسیاری از قربانیان نوشته شده است: دانشجو. شاید روزی که آمار کامل این جنایات آشکار علیه بشریت روشن شود بتوان تصویر روشن‌تری از سهم دانشجویان به‌دست آورد.

دهه ۷۰ سرآغاز فصلی نو در جنبش دانشجویی

اگر نیمه اول دهه ۷۰ دوران اوج شورش‌های شهری بنامیم سال‌های آخر آن را باید دوران عروج مجدد جنبش دانشجویی نامید. دانشجویان از همان سال ۷۶ و هم‌زمان با روی کار آمدن خاتمی و با استفاده از فرصت ایجادشده در پی درگیری‌های جناح‌های رژیم، به سازمان‌دهی خود در ابعادی گسترده‌تر پرداختند و نقش مهم در تحولات اجتماعی آن سال‌ها ایفا کردند. از جمله همین دخالت‌گری دانشجویان به بهانه اعتراض به تعطیلی روزنامه سلام بود که جرقه اولیه حوادث کوری دانشگاه در سال ۷۸ بود. پس از قلع‌وقمع دانشجویان و کشتار وحشیانه آن‌ها توسط پلیس تحت‌امر خاتمی و لباس‌شخصی‌های ذوب در رهبری، دانشگاه مجدداً به مرکز فعالیت‌های آزادی‌خواهانه برای مقابله با حکومت تبدیل شد که تا همین امروز نیز ادامه دارد و با گذشت زمان اشکال بسیار رادیکال‌تری به خود گرفته است.

دهه ۸۰، دانشجویان آزادی‌خواه و برابری‌طلب، به چپ چرخیدن دانشگاه

ادامه این روند رادیکالیزه‌شدن و چپ شدن دانشگاه را با نگاهی به فعالیت‌های آن در این دهه می‌توان دنبال کرد. برگزاری علنی مراسم‌های اول

ماه در سال‌های ۸۲ و پس از آن، برگزاری روز دانشجوی، بلندکردن شعار آزادی و برابری در دانشگاه تهران، تشکل دانشجویان آزادی‌خواه و برابری‌طلب (داب)، انتشار نشریه‌های دانشجویی چپ و کمونیستی و بسیاری نمونه‌های دیگر از این دست گوشه‌ای از فعالیت‌های دانشجویان در دهه ۸۰ است. در عین حال پدیده دانشجویان ستاره‌دار و سایه احضار و ارعاب و دادگاه و حبس و محرومیت از تحصیل لحظه‌ای از سر دانشجویان کنار نرفته و تعداد دانشجویان زندانی روزبه‌روز روبه‌افزایش بوده است. حوادث سال ۸۸ و ماجرای کهریزک بخشی از خشونت سیستماتیک حکومت در این برهه در تقابل با جوانان و دانشجویان بود. تشکل‌هایی مانند انجمن‌های اسلامی دانشجویان و دفتر تحکیم وحدت و غیره هر چه بیشتر منزوی و حاشیه‌ای‌تر می‌شدند.

دهه ۹۰ تا کنون، جنبش دانشجویی پشتاز جنبش سرنگونی

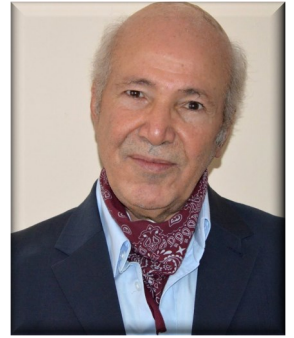
با آغاز دهه ۹۰ و داغ‌تر شدن فضای سیاسی جامعه، جنبش دانشجویی در تحركات مختلف خود تا حدی به چپ متمایل شده بود که کم‌کم سران حکومت اسلامی یکی‌یکی لب به اعتراف گشودند و از مارکسیستی شدن فضای دانشگاه‌ها سخن گفتند. علی‌خامنه‌ای در سال‌های اخیر چندین بار از اخباری که در این زمینه به وی رسیده در سخنرانی‌های عمومی خود سخن گفت. از تحركات مارکسیست‌ها در دانشگاه‌ها خبر داد و خطر آن را به اوباش و هم‌پالکی‌های خود متذکر شد. چند منبر در مورد شکست شوروی و سران حزب توده رفت و خطونشان کشید. اما پس از حوادث دی ۹۶ و آبان ۹۸ و با به میدان آمدن مجدد مردم و عروج جنبش سرنگونی و در ادامه آن در انقلاب جاری و تحركات وسیع جنبش‌های اعتراضی، مسئله‌ای که از مبرمیت بسیاری برخوردار است، موضوع اتحاد میان نیروهای مختلف جامعه در حمایت از یکدیگر و در مقابل حکومت اسلامی است.

مردم ستاً به دانشجویان و جنبش دانشجویی به‌عنوان قشری آگاه و با مطالعه نگاه می‌کنند. قشری که به دلیل موقعیت خود قادر به درک روشنی شرایط است. معمولاً در اذهان مردم نام دانشجویان و جوانان به‌عنوان سازندگان جامعه و امید برای رهایی از وضع موجود، به هم گره خورده است. از طرفی بیش از نیمی از دانشجویان را زنان و دختران تشکیل می‌دهند. بخشی از همان زنانی که تلاش و پیکارشان رنگی عمیقاً زنانه به این انقلاب و خواست‌هایش زده است. این موارد همگی می‌توانند نقش مؤثری در هم‌بستگی با جنبش دانشجویی ایفا کنند. از سوی دیگر حکومت متحجر اسلامی دشمن همیشگی علم و دانش و فرهنگ مدرن و پیشرو بوده است، چیزی که دانشگاه و دانشجو سمبل آن است. تمام تلاش‌ها و انقلاب‌فرهنگی‌ها و غیره نتوانسته دانشگاه را از این مسیر منحرف کند. با حمایت همه‌جانبه از دانشجویان دانشگاه هنر بار دیگر "خطر" دانشجو را برای حکومت روبه سقوط اسلامی بیشتر و برجسته‌تر کنیم.*



تراژدی پناهندگی

کاظم نیک‌خواه



برخی مورخان قرن گذشته؛ یعنی قرن بیست را به‌عنوان قرن پناهندگی و آوارگی نام گذاشته بودند. اما به نظر می‌رسد قرن بیست و یکم از این نظر دارد رکورد می‌شکند. کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل (UNHCR) هفته گذشته اعلام کرد که شمار پناهندگان در دنیا به رقم بی‌سابقه ۱۱۰ میلیون نفر رسیده است.

روز چهارشنبه ۱۴ ژوئن برابر ۲۴ خرداد یعنی یک هفته پیش یک قایق حامل شمار زیادی از پناهندگان در سواحل یونان غرق شد و یکی از مهلک‌ترین تراژدی‌های پناهندگی در این قرن را رقم زد. این قایق نزدیک به ۸۰۰ سرنشین داشت. از این تعداد تنها حدود ۱۰۰ نفر نجات یافتند. شمار زیادی کودک در میان سرنشینان این قایق بودند. گارد ساحلی یونان از ساعت‌ها قبل از غرق شدن، این قایق را زیر نظر داشته و علی‌رغم اینکه شاهد غرق شدن این قایق شکننده بوده است که بسیار بیش از ظرفیت سرنشین داشته، تلاشی جدی برای کمک به آنها نکرده است. اما آنها می‌گویند این خود سرنشینان قایق بوده‌اند که پیشنهاد غذا و کمک را رد کرده‌اند و گفته‌اند نمی‌خواهند به یونان بروند و می‌خواهند خود را به ایتالیا برسانند. قطعاً چنین مکالمه‌ای اگر هم صورت گرفته باشد مربوط به قبل از شرایط غرق شدن است نه زمانی که قایق در حال غرق شدن بوده است. به‌رحال این یکی از فاجعه‌بارترین رویدادهای پناهندگی در دریای مدیترانه در سال جاری است. این قایق از سواحل لیبی حرکت کرده بود و سرنشینان آن عمدتاً مردمی از کشورهای پاکستان و افغانستان بوده‌اند.



غرق شدن این صدها نفر در دریای مدیترانه متأسفانه اولین تراژدی پناهندگی نیست. آمار فجایع و تلفات پناهندگی بسیار تکان‌دهنده است. سال گذشته بنا به آمار رسمی نزدیک به ۳۰۰۰ نفر در مدیترانه غرق شدند. اما بنا به آمار سازمان‌های حقوق بشری رقم واقعی بسیار بیش از اینهاست. منابع رسمی می‌گویند از سال ۲۰۱۴ تا کنون شمار پناهندگانی که در دریاها غرق شده‌اند به رقم تکان‌دهنده بیش از ۲۵۰۰۰ نفر بالغ می‌شود. یعنی شمار باورنکردنی ۲۵۰۰۰ نفر زن و مرد و کودکی که با هزار آرزو و امید از محل زندگی خود دست کشیده و برای فرار از دیکتاتورها و فقر و تبعیضات و ناامنی، راهی کشورهای به‌اصطلاح امن‌تر و مناسب‌تری شده بودند، طعمه ماهیان دریاها شدند. مسئول این کشتار کیست؟ چه کسی جوابگوی این تراژدی انسانی است؟ به این سؤالات باید فکر کرد تا بتوان مانع از این شد که انسان‌های دیگری قربانی شوند.

۱۱۰ میلیون پناهنده؟

رقم ۱۱۰ میلیون پناهنده که کمیساریای عالی پناهندگی سازمان ملل اعلام

کرد، یک رکورد است. اما رقم واقعی از این هم بیشتر است. چرا که شمار بیشتری از پناهندگان به دلیل اینکه هنوز در سرگردانی به سر می‌برند و در کشوری به‌عنوان پناهنده ثبت نشده‌اند در آمار سازمان ملل منظور نمی‌شوند. جنگ در اوکراین و سودان به‌عنوان یکی از دلایل افزایش سریع شمار پناهندگان اعلام شده است. اما اولاً جنگ تنها در اوکراین و سودان جریان ندارد؛ بلکه در مناطق بسیاری از جهان درگیری‌های نظامی و جنگ‌های منظم و غیرمنظم جریان دارد و مردم هر روز قربانی می‌شوند و ناچار می‌گردند خانه و کاشانه خود را ترک کنند و راهی کشورهای دیگر شوند و ثانیاً عامل فرار میلیون‌ها نفر از کشورهای محل زندگی‌شان تنها جنگ نیست. بلکه وجود تروریسم و دیکتاتوری‌های سرکوبگر و بحران‌زده‌ای مثل جمهوری اسلامی و بشار اسد و طالبان و امثالهم از عوامل مهم فرار مردم از کشورهاشان است. بنا به گزارش کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل، در سال گذشته حداقل ۲۹۸۴۵ نفر از ایران به کشورهای دیگر فرار کردند. رقم واقعی در این مورد نیز بسیار بیش از اینهاست.

از عوامل دیگر افزایش پناهندگی باید به فساد و اختلاس در دستگاه حاکم و اقتصادهای بحران‌زده و ورشکسته‌ای مثل اقتصاد ایران و عراق و پاکستان و کشورهای آفریقائی و آمریکائی، و بیکاری و فقر کشنده اشاره کرد که تأمین معاش را برای بسیاری از مردم به مشقتی تبدیل می‌کند. بسیاری از جوانان در آرزوی پیدا کردن کار و رفاه و زندگی امن‌تر و بهتر مسیر پناهندگی را که می‌دانند بسیار خطرناک است در پیش می‌گیرند.

تبعیضات و سنت‌های عقب‌مانده و مذهبی و ارتجاعی ضد زن و ستمگری علیه زنان نیز یک عامل مهم فرار زنان و دختران از ایران و دیگر کشورها و پا گذاشتن در مسیر خطرناک پناهندگی است.

فشار سیاسی و اجتماعی به ال‌جی بی تی کیوها در اکثر کشورهای اسلامی و مذهبی نیز یک عامل فرار این طیف از جامعه به کشورهای دیگر در جستجوی زندگی‌ای امن است. همه اینها باعث می‌شود که هر روز ده‌ها هزار نفر از کشورهای مختلف مسیر خطرناک پناهنده شدن به کشورهای دیگر را در پیش بگیرند و از این تعداد میزان بسیار بالایی هیچگاه به مقصد نمی‌رسند.

پناهندگی یعنی آوارگی

اما تراژدی پناهندگی فقط غرق شدن در دریاها نیست. داستان‌های تلخی از زندگی پناهندگان افشا می‌شود شمار زیادی از باندهای مافیائی قاچاق انسان در این زمینه بسیار فعال‌اند و زنان و دختران و کودکان را می‌ریزند و از قبل فروش یا قربانی کردن آنها پول انبار می‌کنند. از بیان مشخص‌تر جنایاتی که در قبال پناهندگان صورت می‌گیرد اینجا به دلیل اثرات منفی و مخرب آن خودداری می‌کنم. سال گذشته حتی گزارشات تکان‌دهنده‌ای از ناچار کردن پناهندگان به بردگی واقعی در شرایطی بسیار غیرقابل تحمل توسط دستجات مافیائی در مناطقی از لیبی و دیگر مناطق آفریقائی منتشر شد.

اما متأسفانه تراژدی زندگی پناهنده با رسیدن

تراژدی پناهندگی از صفحه ۳

سرمایه‌دار قرار دارند که زندگی انسانی یک‌ذره برایشان ارزش ندارد. تنها و تنها مشغله‌شان ثروت‌اندوزی است و برای این ثروت‌اندوزی حاضرند بشریت را نابود کنند. نمونه زنده این وضعیت کشور ایران است که مافیای جنایت‌کار اسلامی در رأس آن قرار دارد و جنایت و اختلاس و ورشکستگی اقتصادی و ناهنجاری‌های اجتماعی را به اوج خود رسانده است.

سؤال این است که چرا در بعضی کشورها این درجه از جنایت و فساد غالب نیست؟ و جواب به طور خلاصه این است که این انقلابات و اعتراضات و خیزش‌های مردمی در دوره‌های تاریخی قبل است که باعث شده است یک‌تازی مفت‌خوران سرمایه‌دار مهار زده شود و نتوانند به‌سادگی و علناً انسان‌ها را قربانی مطامع و حرص و ولع خود کنند. وجود تشکل‌ها و نهادهای مردمی و مستقل و قوانینی که طی تاریخ مردم به این سیستم‌ها تحمیل کرده‌اند به درجه زیادی مانع قربانی کردن مردم شده است. اما "به درجه زیادی" ته تمام! در همین کشورها نیز تبعیضات اجتماعی و تروریسم و آدم‌ربایی و قربانی شدن اقشار فرودست و وسیعاً جریان دارد. فقط مسئله این است که وجود دولت‌های منفور و فاسد و عمیقاً بحران‌زده و خودکامه‌ای مثل جمهوری اسلامی و طالبان، به‌عنوان لولوخور خورهای برای به سکوت کشاندن مردم در غرب مورد استفاده قرار می‌گیرد. یعنی خامنه‌ای و ملاهای عقب‌مانده طالبان را به مردم آمریکا و اروپا نشان می‌دهند و به اشکال مختلفی تبلیغ می‌کنند که ترامپ و بوریس جانسون و برلوسکونی هم خواب می‌بینند و می‌دیدند که این چنین دیکتاتوری‌هایی را برپا کند؛ اما سیستم "بسیار انسانی" آمریکائی و اروپائی مانع آنها شده است. اما همان‌گونه که اشاره شد این تفاوت با فشار اعتراضات و انقلابات مردمی ایجاد شده است و ثانیاً در خود این کشورها نیز فساد و فقر و بی‌خانمانی همچنان بیداد می‌کند که اگر دست از مقایسه برداریم و به جایگاهی که سزاوار انسان‌هاست فکر کنیم آنها را دقیق‌تر خواهیم دید. به‌هر حال این بحث مفصل‌تر و جداگانه‌ای می‌طلبد.

بخشمان بر سر پناهندگی بود. انسان‌ها حق دارند از دیکتاتوری‌های جنایت‌کار و از فقر و تبعیضات فرار کنند و در هر کجا که بخواهند با حقوق برابر با سایر مردم زندگی کنند. این حق طبیعی و بدیهی بشری را باید با مبارزه به دولت‌ها تحمیل کرد. تا مردم ناچار نشوند مسیر خطرناک و پر هزینه متوسل شدن به قاچاقچیان انسان و سوارشدن بر قایق‌های خارج از استاندارد و طعمه کوسه‌ها شدن را در پیش گیرند.

در حال قربانی شدن هزاران انسان با هزاران آرزو و امید، بسیار تأسفانگیز و تکان‌دهنده است. به آنها فکر کنیم و تلاش کنیم و امیدوار باشیم که با انقلابات و مبارزاتمان بتوانیم این وضعیت فاجعه‌بار را متوقف کنیم.*

به نقطه به اصطلاح امن یا کشورهای امن هم تمام نمی‌شود. آنها که این "خوشبختی" را دارند که از دریاها و کوسه‌ها نجات یابند و پایشان به کشورهای اروپایی می‌رسد، تازه به‌عنوان پایین‌ترین لایه اجتماعی مورد بهره‌کشی و تبعیضات و فشارهای خردکننده در تمام سطوح قرار می‌گیرند. این پناهندگان در کشورهای اروپایی نیز سال‌ها در کمپ‌های پناهندگی مجبور به زندگی ای زیر استانداردهای انسانی می‌شوند و شمار زیادی از آنها به ناچار به کار سیاه رانده می‌شوند و به شدت مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند. اکثر آنها در حالت به اصطلاح عادی زندگی خود نیز در پایین‌ترین رده‌های اجتماعی تبعیضات اجتماعی و اقتصادی زیادی را تجربه می‌کنند. میزان بیماری‌های روانی و خودکشی در میان پناهندگان بسیار بالاست.

سیاستمداران سرمایه و سخنگویان و مبلغین آنها مدام تلاش می‌کنند تمام مشکلات اجتماعی از بیکاری تا گرانی و جرم و جنایت را به گردن پناهندگان بیندازند. یک هدف و آماج جریانات دست راستی و نژادپرست پناهندگان هستند و مدام مورد حملات تبلیغاتی و حتی فیزیکی و جنائی فاشیست‌ها و راسیست‌ها قرار می‌گیرند. در هر بحران اقتصادی که پیش می‌آید این پناهندگان هستند که توسط سیاست‌گذاران مقصر شناخته می‌شوند و از حقوق و امکانات رفاهی آنها زده می‌شود. تبعیضات قانونی و غیرقانونی زیادی علیه این پناهندگان اعمال می‌شود و آنها از نظر موقعیت اجتماعی در شرایطی نیستند که بتوانند دست به مبارزه و اعتراض و دفاع از حقوق انسانی خود بزنند.

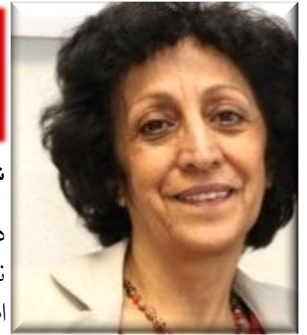
علت چیست؟

پاسخ به این سؤال هم روشن است و هم نیاز به بحث و توضیح مفصلی دارد. چرا این همه آوارگی و پناهندگی؟ چرا این همه معضل و فاجعه؟ ریشه و علت چیست؟

همان گونه که اشاره کردیم وجود دیکتاتوری‌ها، سنت‌های عقب‌مانده و مذهبی، تروریسم، اختلاس و فساد، بیکاری و فقر و بی‌تامینی و جنگ و کشاکش‌های نظامی عامل اصلی همه این پناهندگی‌ها و آوارگی‌هاست. در اکثر موارد همه این موارد در یک جا جمع‌اند. یعنی دیکتاتوری و جنگ و تروریسم و فساد سیاسی و سنت‌های عقب‌مانده و پیش‌دواری‌ها و دگم‌ها و قوانین مذهبی با هم باعث این فاجعه می‌شوند و میلیون‌ها انسان را به آوارگی و فرار وادار می‌کند. در رأس این جرثومه جنایت و فساد، همه‌جا باندها و دستجات



افشای سندی "خیلی محرمانه" از وزارت اطلاعات



شهلا دانشفر

کارگران پیمانی نفت بیش از ۱۱۰ شرکت در مراکز نفتی در این مقطع وارد اعتصاب شدند و دامنه اعتصابات از نفت فراتر رفت و کارگران پروژه‌های در برق و معادن را هم در بر گرفت.

سند "خیلی محرمانه" اطلاعات درعین حال شکست و درماندگی حکومت اسلامی و دم‌ودستگاه وزارت اطلاعاتش را در قبال اعتصابات گسترده کارگران در نفت برملا می‌کند. به این دلیل روشن که ادامه اعتصاب نشان داد که هر ترفندی که حکومت تلاش کرد برای شکستن اعتصاب کارگران به کار برد به شکست کشیده شد و اعتصابی در چنین ابعاد گسترده، نقش مهمی در توازن قوای سیاسی جامعه داشت. این اعتصابات تمام توجه‌ها را به خود جلب کرد. تأثیر مستقیمی بر فضای اعتراضی در دیگر مراکز کارگری داشت و کارگران نفت علی‌رغم همه تهدیدات و سرکوبگری‌ها توانستند به اعتصاب ادامه دهند و به سهم خود در تداوم و قدرت بخشی به انقلاب زن زندگی آزادی نقش آفرین بودند و بالاخره اینکه سند محرمانه وزارت اطلاعات، سندی است که قدرت مبارزاتی کارگران را در متن تحولات سیاسی جامعه نشان می‌دهد.

گفتنی است که در همین مدت سند محرمانه دیگری از سوی مقامات امنیتی حکومتی مبنی بر محروم کردن معلمان معترض از شمولیت طرح رتبه‌بندی مشاغل در کردستان سندج است. طرحی که هر چند ناقص و سروته بریده زیر فشار اعتراضات قدرتمند معلمان مصوب شده است و در ادامه سرکوب‌ها معلمان معترض را مستثنی قرار داده است. افشای این سند بر هوشیاری و اتحاد معلمان در برابر سرکوبگری‌های حکومت تأکید گذاشت.

اعتصابات نفت و طرح و نقشه‌های وزارت اطلاعات

به دنبال دستورالعمل محرمانه وزارت اطلاعات که نامه "خیلی محرمانه" آن در بیست و هشتم خردادماه فاش شد، اخراج کارگران اعتصابی در چارچوب "طرح جایگزین کردن کارگران ترک کار با کارگران جدید از طریق انتشار فراخوان استخلام" در دستور حکومت قرار گرفت. تأکیدشان این بود که جهت تغییر بافت کارگران فعلی کارگران جدید از سایر استان‌ها استخدام شوند. در راستای اجرایی کردن این سیاست بود که مدیر سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس جنوبی کارگران اعتصابی را تهدید کرد که اگر به کار باز نگردند ۴ هزار کارگر به جای آنها جایگزین می‌شوند. اما کارگران اعتصابی نفت متحدانه ایستادند و شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت با روشنگری و هوشیاری کارگران را به اتحاد مبارزاتی فراخواند و اعتصاب ادامه یافت. بعد نیز حکومتیان در سایت‌های رسمی دولتی از جمله در سایت حکومتی ایلنا بر شکست طرح جایگزینی ۴ هزار نیروی کار جدید به جای کارگران اعتصابی اذعان کردند.

این چنین بود که پیمانکاران، کارفرمایان و مقامات مسئول به انواع تهدیدات و ترفندها دست زدند تا اعتصاب هزاران کارگر پروژه‌های نفت را بشکنند؛ اما موفق نشدند و اعتصاب ادامه یافت. از جمله فضای محیط‌های کار در مراکز نفتی را به شدت امنیتی کرده و کارگران را به دستگیری تهدید نمودند. با پخش اخبار کاذب و راه‌انداختن جنگ تبلیغاتی بر سر پایان اعتصاب تلاش کردند میان کارگران اعتصابی تفرقه ایجاد کنند. کارگران معترض را تهدید به اخراج کردند و اعلام نمودند که نیروی جدید به کار خواهند گرفت و کارگران قبلی قراردادشان پایان داده می‌شود و بالاخره توطئه دیگرشان علیه اعتصاب کارگران در آن مقطع به میان کشیدن بحث پیمانکار خوب و بد در جریان نزاع‌های دو باند مافیایی

در این هفته در بیست و هشتم خردادماه نامه‌ای "خیلی محرمانه" از قائم‌مقام وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی به مورخه ۱۴ اردیبهشت به مخبر معاون اول رئیسی در مورد اعتصابات اخیر کارگران نفت و گاز و پتروشیمی فاش شد. این نامه بیش از هر چیز هراس حکومتیان از قدرت این اعتصابات آن‌هم در یک مرکز کلیدی کارگری را به نمایش می‌گذارد. بنا بر خبرها این نامه توسط گروه هکری "قیام تا سرنگونی" در جریان هک سامانه‌های اینترنتی نهاد ریاست جمهوری به دست آمده است. برملا شدن هر روز سندی جدید از اسناد محرمانه حکومتیان نیز خود نشانگر درهم‌ریختگی و بلبشوی درون حاکمیت است.

در این نامه به شروع اعتصابات کارگران نفت و گاز و پتروشیمی در استان بوشهر از دوم اردیبهشت‌ماه و رشد صعودی این اعتراضات و روند صعودی آن و گسترش دامنه‌اش به استان‌های دیگر از جمله به استان‌های خوزستان، ایلام، کرمانشاه و کهگیلویه و بویراحمد اشاره می‌شود. این مقام وزارت اطلاعات از پیوستن ۱۲ هزار کارگر تا دوازدهم اردیبهشت‌ماه به اعتصاب سخن می‌گوید و متذکر می‌شود که با وجود ضرب‌الاجل پنج‌روزه شورای تأمین استان برای بازگشت به کار کارگران اعتصابی، تا روز هشتم اردیبهشت فقط حدود ۳۰۰ نفر به کار بازگشتند. (اشاره کنیم که شمار کارگران اعتصابی پس از این تاریخ به ده‌ها هزار نفر رسید).

در این نامه قائم‌مقام وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی از خواست‌های کارگران همچون پرداخت معوقات مزدی، افزایش ۷۹ درصدی دستمزدها، بهبود شرایط کار و کمپ‌های استراحت، ۲۰ روز کار، ۱۰ روز استراحت، واریز حقوق در حداقل زمان پس از کارکرد هر ماه و کاهش ساعت کاری از ۱۰ ساعت به هشت ساعت در روز نام می‌برد. سپس توصیه وی این است که از طریق نامه به کارگران اعتصابی فرصتی چندروزه داده شود و در صورت عدم تمکین، کارگران اعتصابی اخراج شوند و با محرکین و لیدرهای اصلی اعتصاب برخورد قاطع شود.

این هم قابل توجه است که این "برخورد قاطع" هم کمکی به حکومت نکرد و اعتصاب ادامه یافت و در این سند به آن نیز اشاره می‌شود. بعلاوه در روز هشتم اردیبهشت سخاوت اسدی در گفتگو با ایرنا اعتصابات کارگران نفت را کتمان کرده و گفته بود که کارگران فصلی مشغول کار در هشت طرح پتروشیمی در حال احداث، به دلیل مشکلات معیشتی "ترک کار" کرده‌اند. او همان جا متذکر شده بود که برخی از خواست‌های کارگران امکان تحقق ندارند و درعین حال تداوم اعتصابات کارگری را به تحریک و تهدید برخی افراد "معاند" منتسب کرده بود. ضمن اینکه معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار بوشهر نیز از بازداشت "هشت فعال اعتصابات کارگری" در منطقه پارس جنوبی به دست سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خبر داده بود.

سند "خیلی محرمانه" رو شده از وزارت اطلاعات و ضدونقیض‌گویی‌هایشان بیش از هر چیز وحشت حکومتیان از اعتصاب قدرتمند کارگران آن‌هم در مرکز کلیدی ای چون نفت را به نمایش می‌گذارد. اگر چه ابعاد اعتصابات اردیبهشت‌ماه کارگران نفت گسترده‌تر از این بود که در سند آمده و طبق گزارشات منتشره از سوی شورای سازماندهی اعتراضات

افشای سندی "خیلی محرمانه" از وزارت اطلاعات
از صفحه ۵

اعتصابات دوساله اخیر خود درس بگیریم...

و بالاخره شورای سازماندهی مثل همیشه با تأکید بر اینکه اعتصاب سراسری است و توافقات هم باید سراسری باشد. بر مجمع عمومی و تصمیم‌گیری جمعی در هر بخش و تحمیل قراردادهای جمعی به پیمانکاران تأکید نموده و می‌نویسد: "شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت یکی از دستاوردهای بزرگ ماست، در آن متشکل شویم و قرار اعتصاب بعدی را از این مجرا و با تصمیم‌گیری جمعی بگذاریم. باید دستمزدهای ما به‌عنوان یک خواست فوری ۷۹ درصد افزایش یابد. باید بیست روز کار و ده روز استراحت فوری جاری شود. باید محیط‌های کار امن باشد و استانداردهای قابل قبولی بر خوابگاه‌ها و محیط‌های اسکان برقرار شود. باید بیمه درمانی رایگان با استاندارد بالایی شامل حال همه ما بشود. باید به امنیتی کردن محیط کارمان پایان داده شود و باید بکوشیم با اتحاد خود به بساط بردگی کار پیمانی پایان دهیم". بدین ترتیب ادامه اعتصاب و همبستگی و اتحاد و اتکا به قدرت اعتصاب تأکیدات کارگران نفت و شورای سازماندهی کارگران پروژه‌های پیمانی نفت است.

چشم‌انداز اعتراضات در نفت

فضای نفت در اعتراض و التهاب است. این فقط کارگران پروژه‌های نیستند که خواسته‌هایی دارند و در تدارک اعتصابات سراسری تر خود هستند. بلکه کارگران ارکان ثالث و یا کارگران رسمی در نفت نیز خواسته‌ها و مطالباتی دارند و در اعتراضاتشان اولتیماتوم به تداوم مبارزاتشان را داده‌اند. از جمله یک موضوع مهم کشاکش در نفت این است که کارگران تلاش می‌کنند نهادها و جریاناتی را که به اسم کارگر و یا انجمن‌های صنفی که یک‌سرخشان به جناح‌های حکومتی و حراست و شورای اسلامی و غیره وصل است و به شکلی نقش ترمز را در برابر اعتراضات کارگری



بازی می‌کنند، را از سر مبارزه خود کنار بزنند. از جمله در یکی از بیانیه‌های شورای سازماندهی کارگران ارکان ثالث بر این تأکید شده بود که انجمن‌های صنفی و دار و دسته‌های معلوم‌الحال آنها نمایندگان کارگران نیستند. آنها با تصمیم‌گیری از بالای سر کارگران در پشت درهای بسته با مجلس و مقامات حکومتی سعی دارند مبارزات کارگران را به انحراف بکشانند و بر اعتراض مستقل خود کارگران با اتکا به تصمیم‌گیری جمعی و مجمع عمومی‌شان تأکید کرده بودند و یا در جریان مبارزات کارگران پیمانی پروژه‌های ما شاهد سر بلند کردن جریاناتی بودیم که به اسم کمین نماینده تراشی می‌کردند. سعی می‌کردند اعتراضات کارگران را با نامه‌نگاری به خامنه‌ای و مجلس و غیره به انحراف بکشانند و وقتی دیدند کنترل اعتراضات از دستشان خارج شده است، فوراً ختم اعتصاب را اعلام داشتند. در مقابل این تشبثات کارگران پروژه‌های نفت با ادامه اعتصاباتشان پاسخ محکمی دادند. بخصوص شورای سازماندهی به‌عنوان صدای متحدکننده کارگران روشنگری کرد و با تأکید بر تصمیم‌گیری جمعی در مجمع عمومی کارگری سعی کرد جهت روشنی به مبارزات این کارگران بدهد.

در ادامه چنین کشاکش سختی است که امروز ما شاهد سر بلند کردن جنبش شورایی در نفت هستیم. شورای سازماندهی کارگران پیمانی نفت و به دنبال آن شورای سازماندهی کارگران غیررسمی (ارکان ثالث) بر آمدی از این حرکت است. این تلاش‌ها به طور واقعی در جهت ایجاد ابزار سازماندهی اعتراضات سراسری و سازمان‌یافته و متحد با اتکا به اعمال

ادامه در صفحه ۷

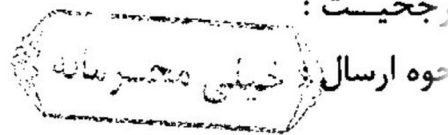
قرارگاه خاتم و پیمانکاران بود. با این تبلیغات تلاش کردند که بخشی از کارگران را با وعده‌های کاذب به کار بازگردانند و در صف کارگران معترض شکاف ایجاد کنند. اما کارگران هوشیارانه ایستادند و به اعتراضاتشان ادامه دادند. از جمله در آستانه اول مه بود که شورای سازماندهی کارگران پیمانی نفت طی بیانیه‌ای ضمن گرامیداشت روز جهانی کارگر و قدردانی از حمایت‌های بخش‌های مختلف جامعه از مبارزات خود بر ادامه اعتصاب تأکید نمود و نوشت: "همه می‌دانیم دعوایی قدیمی بین دو باند مافیایی قرارگاه خاتم‌الانبیا و باند پیمانکاران مفت‌خور در مراکز نفتی جریان دارد. قرارگاه خاتم‌الانبیا می‌کوشد که با کنارزدن پیمانکاران کل بساط چپاول و غارت در نفت را خود در دست داشته باشد در مقابل پیمانکاران هم سعی می‌کنند خود را به اعتصاب ما کارگران بچسبانند تا حریف را عقب بزنند. ما کارگران در مقابل هر دو باند مافیایی چپاولگر می‌ایستیم و اجازه نمی‌دهیم که پیمانکاران مفت‌خور اعتصابات ما را به دست‌مایه‌ای برای خود در این نزاع تبدیل کنند. اتفاقاً یک خواست دیرینه ما کارگران نفت در سطح سراسری برچیده شدن کل بساط پیمانکاران در نفت و در تمام مراکز کارگری است و امروز نیز همچنان بر آن مصر هستیم".

سند "خیلی محرمانه" وزارت اطلاعات و واکنش کارگران

به دنبال برملا شدن سند محرمانه وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی شورای سازماندهی کارگران پیمانی نفت بیانیه‌ای داد که بازتاب صدای اعتراض کارگران در نفت است. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: "ما موفق شدیم با

لبقه بندی : خیلی محرمانه

رجحیت :



هوشیاری و اتحاد خود همه نقشه‌ها و تهدیدات را خشی کنیم و اعتصاب را در بیش از ۱۱۰ مرکز کاری تداوم بخشیم و این خود یک موفقیت و پیروزی برای ما است که توانستیم متشکل، هدف‌مند و با برنامه جلو رویم. با اتکا به این موفقیت و ضعف مشهود و عیان حکومت در برابر صف متحد ما کارگران، می‌توانیم با قدرت و همبستگی بیشتر پیگیر خواسته‌ها و مطالبات پاسخ نگرفته خود باشیم".

قبل از آن نیز شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت از وضعیت اعتصاب سخن گفته و نوشت: "فضای اعتراض در مراکز مختلف نفتی همچنان انفجاری است. ما کارگران همچنان به وضعیت معیشتی و کاری خود اعتراض داریم، این را هم پیمانکاران و هم مقامات مسئول خوب می‌دانند؛ بنابراین باید خود را برای دور بعدی اعتراضاتمان متحدتر و قدرتمندتر آماده کنیم البته این را هم بدانیم هر قدم کوچکی از عقب‌نشینی پیمانکاران نتیجه فشار اعتصاب ما کارگران است".

این جمع‌بندی تأکیدی بر تداوم اعتراض در نفت در دل جامعه‌ای متلاطم است که هر روزه دارد تداوم انقلاب را فریاد می‌زند.

در ادامه بیانیه شورای سازماندهی چنین آمده است: "اکنون بخش‌هایی از همکاران ما سر کار برگشته‌اند و بخش‌های معینی نیز همچنان در اعتصاب‌اند. ما شک نداریم همکارانی که به کار بازگشته‌اند به‌زودی صدای اعتراضشان بلند خواهد شد و باید آماده دور بعدی اعتصابمان باشیم با این تأکید که از تجربه

افشای سندی "خیلی محرمانه" از وزارت اطلاعات
از صفحه ۶

تورم و پاسخ نگرستن خواست‌ها و سرکوبگری‌های حکومت موضوعات اعتراض همه کارگران نفت و کارگران در سطح جامعه است. بدین ترتیب نفت آرام و قرار ندارد و همه شواهد بر چشم‌انداز اعتصابات سراسری در این مرکز کلیدی کارگری تأکید دارد. ضمن اینکه فقر و گرانی، تبعیض و نابرابری و اختلاس‌ها و دزدی‌ها و مصوبات تعرضی حکومت به زندگی و معیشت کارگران و کل جامعه از جمله به اصطلاح "برنامه توسعه هفتم" و مصوبه مزدی حکومت موضوعات اعتراضات سراسری کارگران و کل جامعه است و ما شاهد تدارکات سازمان‌یافته‌تری برای اعتراضات سراسری در میان بخش‌های مختلف کارگری هستیم. یک نمونه بارز آن تجمعات اعتراضی متوالی بازنشستگان است که خیابان‌ها را به صحنه اعتراضات خود تبدیل کرده‌اند و این تصویر جامعه‌ای است که در تداوم انقلاب زن زندگی آزادی برآمد دیگری را با قدرتی بنیان‌کن در چشم‌انداز قرار می‌دهد.*

اراده مستقیم خود کارگران از طریق مجامع عمومی کارگری و رفتن به‌سوی ایجاد شورای سراسری نفت است. به عبارتی روشن‌تر امروز کارگران نفت با صفی متحدتر، سازمان‌یافته در تدارک تداوم اعتراضاتشان برای پیگیری خواست‌ها و مطالباتشان هستند و برچیده‌شدن بساط پیمانکاران در رأس مطالباتشان قرار دارد و خوب است همین‌جا اشاره کنم که هنوز بخشی از کارگران اعتصابی پروژه‌های نفت سر کار بازنگشته‌اند و در بستر این اعتراضات اعتصابات سراسری هزاران کارگر پروژه‌های پیمانی در نفت در چشم‌انداز است. بعلاوه اینکه کارگران رسمی نفت همچنان پیگیر اجرای ماده ده که بهبودی در سطح حقوقی‌هایشان می‌دهد و دیگر خواست‌هایشان هستند. این کارگران قبلاً هم به ادامه اعتراضاتشان اولتیماتوم داده‌اند. همچنین کارگران ارکان ثالث پیگیر دائمی شدن قراردادهایشان هستند. بعلاوه اینکه گرانی‌ها و افزایش نجومی نرخ

 **رژیم آپارتاید جنسی در ایران،
مانند رژیم آپارتاید نژادی در آفریقای
جنوبی، باید از جامعه جهانی اخراج شود!
سرنگون باد جمهوری اسلامی!**

**The gender apartheid regime in Iran, like the
racial apartheid regime in South Africa, must be
expelled from the international community!**

**DOWN WITH
THE ISLAMIC REGIME OF IRAN!**

زنده باد انقلاب زن، زندگی، آزادی!



اطلاعه‌های حزب کمونیست کارگری در هفته اخیر

همبستگی شماری از اتحادیه‌های کارگری

با زندانیان سیاسی در ایران

در ادامه حمایت اتحادیه‌ها، مدیرکل سندیکای خدمات عمومی سوئیس نیز از روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی حمایت کرد

در پاسخ به نامه فری دم ناو (کمپین برای آزادی کارگران زندانی) به‌ضمیمه نامه کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و درخواست حمایت از سی خرداد (بیست ژوئن) روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی در ایران، کاتارینا پرلیتز مدیرکل سندیکای خدمات عمومی سوئیس نیز حمایت خود را از این کمپین و این روز اعلام کرد و سرکوبگری‌های حکومت اسلامی را محکوم نمود. این موضوع در نامه فری دم ناو با خواست اخراج جمهوری اسلامی و اعتراض به سرکوب‌ها و اعدام‌ها و با خواست آزادی فوری کارگران زندانی، معلمان دربند، بازداشت‌شدگان انقلاب و همه زندانیان سیاسی از اتحادیه‌های خواسته شده بود و فدراسیون اتحادیه‌های کارگران در سوئیس، فدراسیون اتحادیه‌های کارگری از عراق، فدراسیون کار بریتیش کلمبیا، اتحادیه ملی کارمندان عمومی در کانادا از جمله امضاکنندگان آن بودند. متن فارسی و انگلیسی نامه فری دم ناو به اتحادیه‌ها به مناسبت سی خرداد روز جهانی حمایت از کارگران زندانی ضمیمه است.

Shahla.daneshfar2@gmail.com

http://free-them-now.com

۱۷ ژوئن ۲۰۲۳

ضمیمه: به تمام اتحادیه‌های کارگری و نهادهای انسان دوست در

سراسر جهان

بیستم ژوئن روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی در ایران است. هزاران زندانی سیاسی از آغاز ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ در زندان‌های ایران توسط رژیم اسلامی اعدام شدند. امسال نیز در ادامه انقلاب با شعار "آزادی زندگی زن" شاهد دستگیری بسیاری از معترضان از جمله کودکان هستیم. این در حالی است که فعالان کارگری و معلمان برای جلوگیری از شرکشان در اعتراضات و اعتصابات سراسری با فشارهای امنیتی فزاینده‌ای مواجه شده‌اند. بسیاری از آنها در حال حاضر زندانی و یا در خطر دستگیری هستند. از همین روز حمایت جهانی از این روز مهم اعتراضی بسیار مهم است.

ما اتحادیه‌های کارگری و سازمان‌های حقوق بشری را که در کنار انقلاب "آزادی زندگی زن" ایستاده‌اند و همیشه از حقوق کارگران و مردم ایران دفاع کرده‌اند مخاطب قرار می‌دهیم. ما از حمایت شما از کمپین برای آزادی کارگران زندانی و محکومیت سیاست‌های سرکوبگرانه رژیم اسلامی قدردانی می‌کنیم. در آستانه روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی، تظاهراتی در شهرهای مختلف جهان برگزار می‌شود. ما از شما می‌خواهیم که به طور رسمی و علنی از این تظاهرات حمایت کنید. از شما انتظار داریم با نامه‌ها و بیانیه‌های حمایتی خود همبستگی‌تان را از زندانیان سیاسی در ایران اعلام کنید. در بیانیه‌های همبستگی خود سرکوبگری‌های حکومت اسلامی و اعدام‌ها را محکوم کنید و بر آزادی فوری و بدون قید شرط کارگران زندانی، معلمان زندانی، معلمان دربند، بازداشت‌شدگان انقلاب و تمامی زندانیان سیاسی تأکید نمایید.

تشدید سرکوبگری‌های حکومت و مقابله مردم

سی خرداد روز حمایت جهانی از زندانیان سیاسی در ایران

روز ۲۷ خرداد شماری از مردم سرابله در استان ایلام در اعتراض به بازداشت ۶ نفر از مردم معترض که چند روز پیش صورت‌گرفته است مقابل فرمانداری تجمع کردند.

صبح روز ۲۷ خرداد نیروهای لباس شخصی ده نفر از دانشجویان دانشگاه هنر تهران را در مقابل درب دانشگاه با یک ون بدون پلاک بازداشت کردند. دانشجویان این دانشگاه عصر روز ۲۵ خرداد بود که در اعتراض به تلاش حکومت برای تحمیل حجاب به دختران، دست به تحصن زده بودند که با سرکوبگری حکومت روبرو شدند. در اعتراض به این سرکوبگری‌ها دانشجویان دانشگاه سوره طی بیانیه‌ای حمایت خود را از دانشجویان دانشگاه هنر اعلام داشتند.

فشارهای امنیتی و احضارها و حکم دادن‌ها بر روی معلمان معترض شدت یافته است. بنا بر خبرها امروز ۲۷ خرداد فاطمه تدریسی معلم زندانی که در ۱۹ اردیبهشت در جریان تجمع اعتراضی معلمان به حملات شیمیایی حکومت به مدارس بازداشت شده بود به زندان قرچک ورامین منتقل شد.

همچنین بنا بر گزارش منتشر شده از سوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان امروز ۲۷ خرداد یازده عضو کانون صنفی خوزستان با اتهامات فعالیت تبلیغی علیه نظام و عضویت در گروه‌هایی که هدف آن برهم زدن امنیت کشور است، با وکالت فرزانه زیلابی به محاکمه کشیده شدند. اسامی این افراد عبارت‌اند از: پیروز نامی، سیامک صادقی چهارازی، زهره بختیاری، شهریار شیروانی‌نیا، عماد رفیعی نژاد، علی کروشاتی، کوکب بدآغی، معین زرگانی، صادق ناصری، اقبال تامرادی، و بهنیا بهمنی نژاد.

پیروز نامی، با عنوان متهم ردیف اول محاکمه شد. از سوی دیگر بیدادگاه حکومت برای هشت عضو انجمن صنفی فرهنگیان در استان فارس احکام زندان صادر کرد. دادگاه بدوی این معلمان در بیستم خرداد با حضور وکلای آنها در شیراز برگزار شد. اسامی و احکام صادر شده برای این معلمان عبارت‌اند از: ۱- عبدالرزاق امیری / دو سال زندان با پابند، ۲- زهرا اسفندیاری / دو سال زندان با پابند، ۳- ایرج رهنما / پنج سال حبس، ۴- افشین رزم‌جویی / پنج سال حبس، ۵- مژگان باقری / پنج سال حبس، ۶- غلامرضا غلامی / پنج سال حبس، ۷- محمدعلی زحمت‌کش پنج سال حبس، ۸- اصغر امیرزادگان / پنج سال حکم تعزیری

طبق همین گزارشات نهادهای امنیتی حکومت از اردیبهشت ۱۴۰۱ باهدف سرکوب کانون‌ها و انجمن‌های صنفی معلمان در صددند تا به هر شکل و با هر نوع اتهامات واهی، جلوی اعتراضات معلمان را بگیرند. از جمله در اردیبهشت سال گذشته بیش از ۲۵۰ معلم با اتهامات واهی بازداشت، زندانی، اخراج، تبعید شدند و برای تعداد زیادی از آنان پرونده‌سازی شد. علی‌رغم این در این یک‌ساله معلمان تجمعات متعددی داشتند و از جمله در برابر حملات شیمیایی حکومت به مدارس قاطعانه ایستادند و اعلام کردند که خط‌قرمز آنها دانش‌آموزان هستند. یک کارزار مهم معلمان علیه امنیتی‌کردن مبارزات و برای آزادی بدون قید و شرط معلمان زندانی و همه زندانیان سیاسی است.

آخرین خبر مربوط به کارزار عفو بین‌الملل آلمان برای توقف اعدام‌ها در ایران است. با گسترش اعدام‌ها در ایران دفتر سازمان عفو بین‌الملل در آلمان،

تجمعات بازنشستگان مخابرات در چندین شهر

امروز ۲۹ خرداد بازنشستگان مخابرات همچون دوشنبه‌های قبل در اعتراض به فقر و گرانی و بالا کشیدن حق و حقوقشان توسط سهام‌داران عمده مخابرات و نهاد چپاولگر موسوم به "ستاد اجرایی فرمان امام" و نیز برای پیگیری مطالباتشان، مقابل ساختمان‌های شرکت مخابرات در شهرهای مختلف تجمع کردند. بنا بر گزارشات تا کنونی این تجمعات در شهرهایی چون شهرکرد، اراک، مشهد، بندرعباس، هرمزگان، ایلام، ارومیه، رشت، اهواز، برپا شده است. برنامه حکومتی موسوم به برنامه هفتم توسعه نیز که تعرضی به زندگی و معیشت همه کارگران و همه مردم است موضوع دیگر اعتراض بازنشستگان است. بازنشستگان صدای رسای اعتراض کل جامعه هستند و نقش مهمی در فعال نگاه‌داشتن فضای اعتراضی دارند.

روز گذشته بازنشستگان تأمین اجتماعی نیز در اهواز تجمع داشتند. در تجمعات امروز، بازنشستگان از جمله شعار می‌دادند: "وزیر بی‌لیاقت! استعفا! استعفا!"، "ظلم و ستم کافیه، سفره ما خالیه"، "وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه"، "اجرای آیین‌نامه حق مسلم ماست"، "سهام‌داران عمده قانون نمی‌پذیرند"، و "گرانی، تورم، بلای جان مردم".

افزایش حقوق‌ها به بالای خط فقر که اکنون از رقم ۳۰ میلیون گذشته است، درمان رایگان، پایان‌دادن به اختلاس‌ها و دزدی‌ها و امنیتی کردن مبارزات از جمله خواست‌های مشترک همه بازنشستگان است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۹ خرداد ۱۴۰۲، ۱۹ ژوئن ۲۰۲۳

تجمعات بازنشستگان کشوری در چندین شهر

روز چهارشنبه ۳۱ خرداد بازنشستگان کشوری از جمله معلمان بازنشسته بنا بر فراخوانی از قبل اعلام شده در مقابل صندوق بازنشستگی در چندین شهر تجمع و اعتراض کردند. این تجمعات در شهرهای کرمانشاه، اردبیل، شیراز و یزد علیه فقر و گرانی و بی‌تامینی و اختلاس‌های و دزدی‌ها صورت گرفت. در این اعتراضات بازنشستگان شعار می‌دادند: "دولت ورشکسته، دشمن بازنشسته"، "نه وعده، نه بازی، اجرای همسان‌سازی"، "گرانی، تورم، بلای جان مردم".

اعتراضات در میان بخش‌های مختلف بازنشستگان گسترده است. در این هفته بازنشستگان تأمین اجتماعی در ۲۹ خرداد در اهواز و در ۲۸ خرداد در چهار شهر شوش، شوشتر، کرمانشاه و اهواز و نیز بازنشستگان مخابرات در ده شهر در روز دوشنبه تجمع داشتند. بدین ترتیب بازنشستگان خیابان‌ها را به صحنه اعتراض خود درآورده‌اند. افزایش حقوق‌ها به بالای خط فقر که اکنون از رقم ۳۰ میلیون گذشته است، درمان رایگان، پایان‌دادن به اختلاس‌ها و دزدی‌ها و امنیتی کردن مبارزات از جمله خواست‌های مشترک تمامی بازنشستگان است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۱ خرداد ۱۴۰۲، ۲۱ ژوئن ۲۰۲۳

روز جمعه ۲۶ خرداد (۱۶ ژوئن) با راه‌اندازی کارزاری خطاب به دولت آلمان نوشت که "زندانی‌های ایران به مکانی برای کشتارهای دسته‌جمعی با مجوز دولتی تبدیل شده‌اند". در این کارزار خطاب به دولت آلمان آمده است جمهوری اسلامی در حال حاضر در پی انجام یک سری اعدام‌های بی‌رحمانه است. عفو بین‌الملل ضمن اشاره به افزایش اعدام‌ها از اوایل سال جاری میلادی تأکید کرده است که تنها در ماه مه به طور متوسط هر روز سه نفر در ایران اعدام شده‌اند و در پنج‌ماهه نخست ۲۰۲۳ اعدام محکومان جرایم مربوط به مواد مخدر نسبت به مدت مشابه سال گذشته "سه برابر" شده است. عفو بین‌الملل از مردم آلمان نیز خواسته است که با پیوستن به این کارزار به وزارت خارجه این کشور فشار بیاورند تا موج اعدام‌ها را به طور علنی محکوم کند و از دولت ایران بخواهد که تمامی اعدام‌ها را متوقف سازد.

سی خرداد روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی فرصت مناسبی برای معلمان و بخش‌های مختلف کارگری و کل جامعه علیه سرکوبگری‌های حکومت و برای آزادی زندانیان در بند و توقف اعدام‌هاست. معلمان زندانی، کارگران در بند، بازداشت‌شدگان انقلاب و همه زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قیدوشرط آزاد شوند و اعدام‌ها متوقف شود.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

Shahla.daneshfar2@gmail.com

http://free-them-now.com

۲۷ خرداد ۱۴۰۲، ۱۷ ژوئن ۲۰۲۳

بازنشستگان و ادامه یکشنبه‌های اعتراض

تجمع بازنشستگان شوش، شوشتر، کرمانشاه و اهواز

امروز ۲۸ خرداد بازنشستگان تأمین اجتماعی در شهرهایی چون شوش، شوشتر، کرمانشاه و اهواز همچون یکشنبه‌های گذشته در اعتراض به گرانی و بی‌تامینی و تعرضات معیشتی حکومت همچون برنامه توسعه هفتم و مصوبه مزدی شورای عالی کار و نیز برای پیگیری مطالباتشان دست به تجمع و اعتراض زدند. افزایش حقوق‌ها به بالای خط فقر که به گفته خود حکومتیان در تهران به ۳۰ میلیون رسیده و درمان رایگان که در همین اعتراضات بر بن‌هایشان نقش بسته است، دو خواسته مهم آنهاست.

در این اعتراضات بازنشستگان شعار می‌دادند: "تورم گرانی بلای جان مردم"، "افزایش دستمزد طبق تورم"، "وعده وعید کافیه سفره ما خالیه"، "حقوق بازنشسته فقط برای یه هفته"، "تنگ ما ننگ ما صداوسیمای ما"، "یخچال بازنشسته خالی تر از گذشته"، "تا حق خود نگیریم، از پا نمی‌نشینیم"، "نه وعده، نه بازی، اجرای همسان‌سازی"، و "بازنشسته بیداره، از تهدید بیزاره".

در اهواز بازنشستگان در میدان کارگر روبروی سازمان تأمین اجتماعی تجمع و راهپیمایی داشتند و با فریاد شعارهایشان صدای اعتراض خود را بلند کردند.

خواست‌های مشترکی اعتراضات بخش‌های مختلف بازنشستگان را به هم و به اعتراضات کل جامعه پیوند می‌دهد. این اعتراضات علیه فقر و فساد و بی‌تامینی، تبعیض‌ها و نابرابری‌ها، سرکوبگری‌های حکومت و کل بساط دزد سالار حاکم است. اشاره کنیم که بازنشستگان کشوری نیز برای ساعت ده صبح روز ۳۱ خرداد به تجمع در محل صندوق بازنشستگی کشوری فراخوان به تجمع داده‌اند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۸ خرداد ۱۴۰۲، ۱۷ ژوئن ۲۰۲۳

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

ادامه جدال جانانه علیه حکومت آپارتاید جنسی در دانشگاهها

۱۰ روز از شدت یابی جدال در دانشگاه هنر تهران بر سر تحمیل حجاب و گسترش این تقابل به سایر دانشگاهها می گذرد و این جنگ با شدت ادامه دارد. دانشگاهها به صحنه جدال سخت دانشجویان علیه تهاجم حکومت اسلامی برای بازپس گرفتن سنگر فتح شده حجاب از جامعه تبدیل شده اند. شروع این جنگ از روز چهارشنبه ۲۴ خرداد و در جریان تداوم سرکوبگری های حکومت در رابطه با مسئله حجاب و اجباری اعلام کردن پوشیدن مقنعه در دانشگاه هنر و حمله به دانشجویان به خاطر تن ندادن به این اجبار و حضور بی حجاب در دانشگاه آغاز شد. این دانشجویان در اعتراض به این تعرضات تحصنی را شکل دادند. در این حرکت اعتراضی دانشجویان معترض مورد حمله وحشیانه حراست قرار گرفتند. به دانشجویان متحصن اجازه خروج داده نشد و از رساندن آب و غذا به آنها ممانعت شد. نیروی سرکوب دانشجویان را مورد حمله و ضرب و شتم قرار داد و تعدادی هم دستگیر شدند. اما اعتراضات گسترش یافت. همه دانشجویان این دانشگاه از تحصن هم کلاسی های خود حمایت کردند و در کنار آنها ایستادند. هم زمان بیانیه ای از سوی جمعی از دانشجویان این دانشگاه منتشر شد که در آن چنین آمده است: "پس از تأکید دوباره تان بر آپارتاید جنسیتی و الزام حضور در دانشگاه با مقنعه، پس از بستن آب و خشونت بر دوستانمان که تنها در جهت برابری در پردیس باغ ملی تحصن کرده بودند، ما هم دوباره تأکید می کنیم که چیزی به عقب بر نمی گردد. این آسمان حتی بعد از تمام ستاره هایی که هر روز به زمین کشیده اید، هنوز غرق ستاره است. از زخمی که شهریور دهن باز کرد هنوز خون می چکد و ما ایستاده ایم، دست در دست هم برای آزادی."

موجی از حمایت و همبستگی با دانشجویان دانشگاه هنر به جریان افتاد و توجه کل جامعه به این کشاکش جلب شد. از جمله در بیست و ششم خردادماه دانشجویان سراسر کشور طی بیانیه ای حمایت خود را از اعتراضات جانانه دانشجویان در دانشگاه هنر اعلام کردند. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: "دخالل مسئولین دانشگاهها در شخصی ترین امور ما دانشجویان نظیر پوششمان، دیگر پس از آغاز "انقلاب زن زندگی آزادی"، عقب زده شده و اجازه نمی دهیم که دوباره آن را به ما تحمیل کنند... ما حکومتی را که طی تمام ۴۴ سال گذشته تلاش بر پادگان سازی از دانشگاهها کرده، همچنان در خیال خام فتح سنگرهای مستحکم آزادی و برابری خواهی، یعنی دانشگاهها، باقی خواهیم گذاشت. ما دانشجویان معترض، آزادی خواه، پیشرو و خواهان حقوق برابر برای تمام جنسیتها و گرایش های جنسی در سراسر کشور، همچنین رو به تمام بخش های جامعه؛ از جمله زنان و جوانان مبارز، دانش آموزان، معلمان، کارگران، کادر درمان، بازنشستگان و... اعلام می کنیم که: حجاب شیشه عمر جمهوری اسلامی در دستان ماست. حجاب نماد تبعیض و سرکوب های جنسیتی است. بیایید با حذف هرچه بیشتر آن از محیط جامعه، به یاری هم زمان و هم سنگر انمان در دانشگاه هنر تهران بشتابیم!" در آخر این بیانیه با فراخوان به بی حجابی سراسری اعلام می دارد: "از شنبه ۲۶ فروردین به بی حجابی سراسری در سطح دانشگاهها و جامعه، جواب محکمی به رادان داده ایم و این بار هم پاسخ این جنایت کاران را محکم تر از قبل خواهیم داد." این همبستگی ها ادامه یافته و تا کنون ۲۸ دانشگاه از اعتراضات دانشجویان دانشگاه هنر از دانشگاه های مختلفی از تهران و شهرهایی چون مشهد، بجنورد، سبزوار، همدان، تبریز، اصفهان، شیراز، زنجان و دانشگاه مازندران طی بیانیه هایی از دانشجویان هنر شیراز اعلام پشتیبانی کرده اند.

همچنین کانون نویسندگان ایران طی بیانیه ای تحت عنوان "پوشش اجباری به ضرب سرکوب"، از دانشجویان حمایت کرده و حمله و تعرض به دانشجویان را به خاطر حجاب محکوم کرده است. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: "حاکمیت جمهوری اسلامی از آغاز تأسیس در پی اعمال سلیقه قشری -

ایدئولوژیک خود، یکدست سازی فرهنگی و سبک زندگی تکسنگوار بوده است و با دست و دل بازی هزینه های هنگفتی در این راه صرف کرده و آسیب های جبرانناپذیری بر مردم به جان آمده وارد آورده است. چنان که پیداست، با وجود اعتراضات فراگیر به برخوردهای خشونت آمیز با پوشش آزادانه و انتخابی پس از کشته شدن مهسا (ژینا) امینی، هم چنان به روش های گوناگون مانند پلمب مراکز خرید، کتاب فروشی ها، کافه ها و رستورانها، دخالت مأموران حکومتی به نام "آمران به معروف" در مترو و مکان های عمومی در لباس "مردم"، استفاده از تابلوهای شهر برای تبلیغ پوشش مطابق با ذهنیت استبدادی و یکسان سازانه خود می کوشد از خواست به حق آزادی بی قید و شرط پوشش جلوگیری کند و اگر کسی "ناهنجاری" کرد "به حکم قانون گردنش را بشکند". پیام صریح و روشن این رفتارهای خشونت آمیز جز این نیست: هر حرکت آزادی خواهانه را بی درنگ سرکوب می کنیم! هر صدای مخالف را ساکت می کنیم مگر آن که در چهارچوب های عقیدتی ما و از مجرای رسانه های ما بیرون آید. شک نیست که مسئولیت هر گونه آسیب به دانشجویان و همه کسانی که در پی اعتراض به آزادی کثی و بیان به حق خواسته خود با سرکوب و خشونت عریان روبه رو می شوند متوجه آمران و عاملان این سرکوب هاست. همچنین شورای بازنشستگان در بیانیه ای تحت عنوان "حمایت از مبارزه دانشجویان سراسر کشور هم صدا ایستاده ایم!" با دانشجویان در دانشگاهها اعلام همبستگی کرده است. نهاد زنان کردستان علیه تبعیض جنسیتی نیز در همین رابطه بیانیه داده و می نویسد: "راه نجات ما از این رژیم سرکوبگر و اسلامی بازگشتن به خیابان هاست و تنها در کف خیابان می توانیم حق خود را بگیریم". ندای زنان ایران نیز با بازتاب هر روزه اخبار این اعتراضات و اعتراضات اجتماعی علیه حجاب به صدای اعتراض مردمی تبدیل شده است.

این جنگ فقط با دانشجویان و تنها بر سر حجاب نیست. این تهاجمی علیه کل جامعه و مردم است و جدال دانشجویان همچنان که خود اعلام کرده اند دفاع از آزادی و از انقلاب است. ما مردم می توانیم و باید در کنار دانشجویان از سنگر آزادی قاطعانه دفاع کنیم و اجازه ندهیم که حاکمان متحجر و جنایت کار دانشجویان ما را مورد تعرض قرار دهند. حزب کمونیست کارگری به دانشجویان هنر و همه دانشجویان درود می فرستد و همه مردم را فرامی خواند که فعال و قاطع از دانشجویان و آزادی پوشش دفاع کنند. می توانیم حکومت منفور اسلامی را یکبار دیگر دست در دست هم عقب برانیم. حزب همه زنان، کارگران، معلمان، بازنشستگان و همه مردم را به پیوستن به صف همبستگی با دانشجویان دانشگاه هنر و فراخوان دانشجویان به بی حجابی سراسری فرامی خواند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۱ خرداد ۱۴۰۲، ۲۱ ژوئن ۲۰۲۳





حمله دولت آلبانی به اردوگاه سازمان مجاهدین

را شدیداً محکوم می‌کنیم

بنا به گزارش‌ها صبح روز ۲۰ ماه ژوئن صدها پلیس آلبانی به اردوگاه سازمان مجاهدین در این کشور هجوم برده و با گاز اشک‌آور و گاز فلفل ساکنین این اردوگاه را مورد حمله قرار داده است. در جریان این حمله یکی از اعضای سازمان مجاهدین کشته شده و شماری از ساکنان این اردوگاه به بیمارستان منتقل شده‌اند. پلیس آلبانی همچنین بسیاری از درها و کمد‌ها و کامپیوترها را در این اردوگاه شکسته و تعدادی از کامپیوترها را با خود برده است. دولت آلبانی در توجیه این عمل سرکوبگرانه خود به "فعالیت غیرقانونی و ظن فعالیت سیاسی اعضای مجاهدین در این کشور" اشاره کرده است.

رفتار ضدانسانی دولت آلبانی و سیاست وزارت خارجه آمریکا که به دلیل موضع‌گیری سیاسی علیه مجاهدین یورش پلیس آلبانی به اردوگاه آنها را مورد تأیید قرار داده است و همچنین جلوگیری دولت فرانسه از گردهمایی سالانه مجاهدین در این کشور و دلایل شرم‌آوری که برای این سیاست خود، از جمله دلایل ژئوپلیتیک و درگیری گروه‌های رقیب در اپوزیسیون جمهوری اسلامی، ارائه داده تردیدی باقی نمی‌گذارد که این اقدامات جزئی از ساخت و پاخت سیاسی دولت‌های ارتجاعی با جمهوری اسلامی است. دول غربی در مذاکرات اخیر خود با جمهوری اسلامی امتیازات زیادی از آن گرفته و در مقابل عقب‌نشینی‌های جمهوری اسلامی، دست به اتخاذ چنین سیاستی زده‌اند. دولت‌های آمریکا و فرانسه حتی نخواستند به این سیاست کثیف خود پوشش حقوقی و قابل‌قبولی برای ارائه به افکار عمومی بدهند.

حزب کمونیست کارگری اقدام دولت آلبانی و موضع دول آمریکا و فرانسه را شدیداً محکوم می‌کند و با افشای پشت پرده این سیاست‌ها تلاش می‌کند توجه مردم جهان را به ساخت و پاخت این دولت‌ها با حکومت تروریست و جنایت‌کار اسلامی جلب کند. حزب کلیه نیروهای اپوزیسیون جمهوری اسلامی را به اتخاذ موضعی قاطع علیه اقدام سرکوبگرانه دولت آلبانی و سیاست دولت‌های آمریکا و فرانسه فرامی‌خواند.

جمهوری اسلامی در سطح جهان مغفور و منزوی است و ضعیف‌تر و بحرانی‌تر از آن است که بتواند خود را از انقلاب مردم ایران که حمایت وسیع مردم جهان را نیز با خود دارد نجات دهد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۱ خرداد ۱۴۰۲، ۲۱ ژوئن ۲۰۲۳

هیمن مصطفایی اعدام شد

مرگ بر حکومت آدمکش

با کمال تأسف امروز صبح ۳۱ خرداد هیمن مصطفایی پس ده سال حبس در زندان سنندج به دست جانپان اسلامی به دار آویخته شد. شب گذشته مردم سنندج و جمعیت زیادی که از میروان به سنندج رفته بودند در مقابل زندان مرکزی سنندج تجمع کرده و تا آخرین لحظه برای نجات جان هیمن مصطفایی تلاش کردند. اما حکومت جنایت‌کار اسلامی او را هم به قتل رساند. جان‌باختن این عزیز را به خانواده وی و به همه مردم تسلیت می‌گوییم.

مراسم خاک‌سپاری هیمن مصطفایی امروز در کانی دینار میروان با حضور جمعیت بسیاری از مردم خشمگین که فریاد اعتراض و نفرتشان علیه حکومت بلند بود، انجام گرفت.

هیمن مصطفایی از سال ۱۳۹۱ به اتهام قتل یکی از اعضای سابق سپاه پاسداران به نام ابراهیم محمدی در زندان به سر می‌برد. هیمن بعدها توسط دادگاه کیفری سنندج به اتهام قتل عمد به "قصاص" محکوم گردید. نهادهای امنیتی سنندج خواهان گشودن پرونده‌ای به اتهام محاربه برای وی بودند که این اتهام به دلیل نبود مدارک و ادله لازم توسط دیوان عالی حکومت رد شد. شش سال پیش در خرداد ۹۶ حکومت قصد اعدام هیمن مصطفایی را داشت که مردم با مبارزاتشان جلوی آن را گرفتند و بارها در زندان در معرض شکنجه‌های جسمی و روانی قرار گرفت. علی‌رغم همه اینها امروز جانپان اسلامی هیمن را کشتند. به‌خاطر اینکه می‌خواستند برای نشان دادن اقتدارشان طناب دار را بر گردنی بیندازند. جمهوری اسلامی حکومتی در سرایشی سقوط است و می‌کشد تا زهرچشمی از مردم بگیرد. اما مردم ایستاده‌اند و ادامه انقلاب را فریاد می‌زنند. مردم ایران دادخواه‌اند و یک خواست فوری انقلاب زن زندگی آزادی محاکمه سران این حکومت در دادگاه‌های بین‌المللی به‌خاطر کارنامه جنایات و کشتارهای این حکومت است. اکنون فضای شهر میروان و سنندج یکپارچه خشم و انزجار است.

جنبش دادخواهی، و جنبش علیه اعدام یک جنبش قدرتمند در ایران است. این جنبشی است که هر روز شکل سازمان‌یافته‌تری به خود می‌گیرد. بیانیه بیش از هشتاد خانواده دادخواه علیه اعدام‌ها در همین روزهای اخیر نمادی از این جنبش است.

شماری از نهادها، تشکل‌ها و فعالین چپ و دمکرات خارج از کشور قرار است روز شنبه ۲۴ ژوئن ۲۰۲۳ ضمن همراهی و همبستگی با انقلاب مردم ایران در اقدامی مشترک تحت عنوان "قیام علیه اعدام" گردهمایی اعتراضی متعددی علیه اعدام‌ها در ایران و رژیم اعدام اسلامی برگزار کنند. تا کنون در ۱۵ شهر جهان میتینگ‌های اعتراضی تدارک دیده شده است، کمیته بین‌المللی علیه اعدام نیز به شرکت در این گردهمایی‌ها فراخوان داده است. در اطلاعیه فراخوانی این کمیته چنین آمده است: "یکی از محورهای انقلاب زن، زندگی آزادی نفس زندگی است که یک معنای آن مخالفت با مجازات شنیع و ضدانسانی اعدام و دفاع از حق حیات است. بکوشیم که در اعتراضات جهانی روز ۲۴ ژوئن اعتراض علیه اعدام و رژیم اعدام در ایران را رساتر کنیم. با سرنگون جمهوری اسلامی به قدرت انقلاب مردم جامعه‌ای بدون اعدام و سرکوب برپا خواهیم کرد."

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۱ خرداد ۱۴۰۲، ۲۱ ژوئن ۲۰۲۳

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpIran

اینستگرام: www.instagram.com/wpi91

تلگرام: [telegram.me/wpi_hkki](https://t.me/wpi_hkki)

وبسایت: www.wpiran.org

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: میلاد رابعی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: سروناز سینایی

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر میشود

<https://www.facebook.com/wpIran>

تلگرام: https://t.me/wpi_hkki

<https://www.wpiran.org/>

<https://www.instagram.com/wpi91>



به حزب کمونیست کارگری
ایران پیوندید!

ماهواره یاه ست

فرکانس، ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس، ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۵/۶

KANAL JADID
کانال جدید

پخش زنده آنلاین؛

پخش زنده

newchannel.tv/live/tv

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های؛

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com